

بر اساس شاخص «لگاتوم»:

سقوط رفاه ایرانیان در ۱۰ سال گذشته



که شاخص رفاه لگاتوم (The legatum prosperity index) جامع‌ترین و بهترین پژوهش‌هاست که ذیل عنوان رفاه (در زبان فارسی واژه رفاه برابر با welfare در زبان انگلیسی به کار می‌رود. اما در این گزارش ما رفاه را برای واژه prosperity به‌کار می‌بریم با این‌ تذکر که رفاه در این معنای اخیر معنای گسترده‌تر دارد و نزدیک‌تر به مفهوم نیکبختی و سعادت است) وضعیت یک کشور را در چندین بعد بررسی می‌کند، به‌طوری که تصویر نسبتاً کاملی از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن کشور به دست می‌دهد. در ادامه به بررسی نتایج و داده‌های این پژوهش و درس‌هایی که می‌توان از آن گرفت، می‌پردازیم.

رفاه چیست و چگونه ارزیابی می‌شود؟

برخلاف دیدگاهی که ثروت را معادل رفاه می‌داند، رفاه یک پدیده چندبعدی است که ثروت تنها قسمتی از آن را شامل می‌شود. آنچه در پژوهش لگاتوم در تعریف رفاه آمده به این صورت است: «رفاه زمانی هست که همه افراد فرصت رشد و پیشرفت کردن، از راه بالفعل ساختن استعدادها و توانایی‌های منحصربفرد خویش و نیز ایفای نقش خود در تحکیم و تقویت اجتماعات و ملت‌های خود را دارند.» در این تعریف رفاه در گرو فراهم آمدن «شرایطی» است که شهروندان، در سطح فردی، امکان رشد کردن و متحقق ساختن استعدادها و اهداف خود را دارند و در سطح جمعی، امکان مشارکت کردن در امور اجتماع و کشور با هدف بهبود آنها را دارند. برای روشن‌تر ساختن مفهوم رفاه، موسسه لگاتوم «شرایطی» که باید فراهم شود تا رفاه شهروندان فزونی یابد را در سه حوزه (domain) پیگیری می‌کند که هر یک از این سه حوزه بر چهار پایه

براساس شاخص «لگاتوم» رفاه ایرانیان در ۱۰ سال گذشته ۳ پله سقوط کرده و به جایگاه ۱۲۶ جهان رسیده است.براساس این شاخص امارات در رتبه ۴۴، قطر ۴۶، کویت ۶۰، بحرین ۶۲، عمان ۶۷، عربستان ۷۹ در جایگاه قرار دارند. به گزارش سلامت نیوز، روزنامه اعتماد در گزارشی نوشت: میان سیاستمداران یا رهبران دنیا ممکن است که از جهات بسیاری تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، اما همه آنها این ادعا را دارند که «آمارها نشان می‌دهند، شرایط کشور رو به بهبود است.» برای راستی‌آزمایی این ادعا می‌توان از دو روش بهره برد. روش اول متوسل شدن به آمارها و شاخص‌های اقتصادی-سیاسی در سطح ملی است. وجود روندهای افزایشی یا کاهشی در این شاخص‌ها، ابزاری برای پذیرش یا ابطال آن ادعا در اختیار ما می‌گذارد. راه دیگر برای اعتبارسنجی ادعاهای رهبران دولت‌ها، مینا قرار دادن پژوهش‌های مقایسه‌ای در سطح جهانی است که سالانه منتشر می‌شوند و وضعیت کشورها را نه تنها در نسبت با شرایط آن کشور در سالیان گذشته به نمایش می‌گذارند، بلکه این امکان را فراهم می‌آورند که با مقایسه کردن جایگاه یک کشور در مقایسه با کشورهای دیگر فهم روشن‌تر و غنی‌تری از اوضاع کشور به دست آوریم. با یک مثال می‌توان درباره این دو روش روشن‌سازی بیشتری انجام داد. تصور کنید در درس ریاضی، آریا نمره ۱۰ از امتحان پایان ترم می‌گیرد و میانگین نمرات کلاس ۱۲ است. آریا با برنامه‌ریزی و تلاش بیش‌تری ترم بعد نمره خود را به ۱۳ می‌رساند که بهبودی نسبت به ترم گذشته حاصل شده، اما دانش‌آموزان دیگر همین رویه آریا را در پیش گرفته و نمرات خود را بهبود بخشیده‌اند به‌طوری که میانگین نمرات کلاس به ۱۷ رسیده است. در این صورت نمره آریا این‌بار ۴ نفره با میانگین نمرات کلاس فاصله دارد در حالی که ترم پیش فاصله آریا با میانگین نمرات کلاس ۲ نمره بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود اگرچه آریا نسبت به گذشته خود پیشرفت کرده اما در مقایسه با ترم گذشته، فاصله او با همکلاسی‌هایش بیشتر از گذشته شده است.اگر مبنای پیشرفت یک کشور از نظر رفاه را بهبودهای آن کشور از نظر شاخص‌های سیاسی و اقتصادی نسبت به سال یا سالیان پیش قرار دهیم در این صورت ممکن است آن کشور را موفق بدانیم، اما اگر میزان پیشرفت کشور در مقایسه با پیشرفت‌های کشورهای دیگر را در همین مدت بسنجیم، چه بسا که پسرفت‌ها بیشتر از پیشرفت‌ها به چشم آید و گستره شکاف‌ها عیان‌تر شود.سالانه چندین پژوهش جهانی درباره وضعیت کشورهای دیگر را در همین مدت اجتماعی منتشر می‌شود که وضعیت کشورها را در نسبت با یکدیگر می‌سنجند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به سالنامه پژوهشی خانه آزادی (Fredhem Hosse) اشاره کرد که شرایط کشورها را از نظر آزادی‌ها و حقوق فردی رصد می‌کند یا می‌توان به سالنامه پژوهشی شاخص دموکراسی (Democracy Index) اشاره کرد که وضعیت کشورها را از لحاظ ضعف و قوت‌های رویه‌ها و نهادهای دموکراتیک محاسبه و مقایسه می‌کند. در این میان شاید بتوان گفت

چگونه می‌توان رشد اجاره مسکن را متوقف کرد؟

در حالی بازار اجاره مسکن به فصل جابجایی‌ها نزدیک شده که دولت با برنامه‌های حمایتی و مجلسی‌ها هم باطرحی که هوش مصنوعی یکی از ستون‌های آن است به دنبال حمایت از اجاره‌نشین‌ها هستند.به نقل از ایسنا ، این روزها پیش‌بینی بازارهای اقتصادی کار چندان سختی نیست به‌خصوص بازار مسکن. کم‌کاری‌های سال‌های گذشته که روند آن در دولت حسن روحانی تشدید شد باعث شده تا فاصله تقاضا و عرضه در بخش مسکن به شدت افزایش یابد. اتفاقی که فشارهای آن بیش از همه شامل حال مستاجران شده است.فشر مستاجر کشور که حدود ۹ میلیون خانوار برآورد می‌شود هر ساله در آستانه فصل نقل و انتقالات با دشواری‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. تورم قیمت مسکن در سال قبل، اثرگذاری زیادی روی نرخ اجاره‌بها و البته ناهسامان کردن این بخش دارد. امسال نیز همین اتفاق روی داده و با

وجود عدم انتشار گزارش تحولات بازار مسکن، رشد قیمت‌ها در این بخش ادامه داشته است. طبق اعلام دست‌اندرکاران بازار مسکن، متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در تهران به بالای ۶۰ میلیون تومان رسیده است. موضوعی که خیلی زود به یک معضل برای اجاره‌نشین‌ها تبدیل شده است. اما راهکار کنترل بازار اجاره‌ای مسکن چیست؟ چرا دولت‌ها نتوانسته‌اند فکری اساسی برای این بخش داشته باشند.بهار سال گذشته معاون وقت مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی درباره راهکارهای کنترل بازار اجاره بها از تدوین یک بسته خیر داده و گفته بود:بسته مدیریت اجاره بهای مسکن شامل سه بخش است؛ بخش اول کمک یا تشدید عرضه خانه‌های خالی به بازار مسکن یا همان سامانه املاک و اسکان است.مجمود محدودزاده با بیان این‌که اقدام دوم بحث افزایش تولید است، ادامه

بیانیه وزارت اطلاعات درباره مسمومیت‌های سریالی

که بلافاصله کار شناسایی خریداران مورد بحث آغاز شد، غالب آن‌ها شناسایی شدند و افرادی که با کاربست آن‌ها، موجب ایجاد هراس شده بودند، بازداشت شدند. ۲. از دیگر موارد تعدّی، بهره‌برداری از افشانه‌های اشک‌آور و گاز قفل و نظایر آن در محیط‌های آموزشی به قصد شیطنت، بازیگوشی، دیگرآزاری و تعطیل کردن کلاس‌ها بوده است. در این قبیل موارد نیز با کشف قوطی‌های افشانه و بازداشت عوامل استعمال آن‌ها،التهاب در محیط‌های آموزشی فروکش کرده است.

۳. در موارد متعددی وجود یک عامل بودار در محیط با اطراف آن موجب ایجاد هراس شده است.از جمله مصادیق کشف شده که موجب گزارش به اورژانس، آتش‌نشانی، پلیس و حتی انتقال به درمانگاه شده عبارت‌اند از: پر کردن گاز خودرو با روش‌های دستی و غیراستاندارد، قطع و وصل گاز شهری و نشتی مقماری گاز در محیط، آتش زدن ضایعات در زمین کنار مدرسه و انتشار دود در حیاط آن، استفاده از حشره‌کش، پارک کردن تاکتر حامل ته مانده



(pillar) استوار است و همچنین هر یک از این پایه‌ها خود شامل چند عنصر (element) می‌شود. سه حوزه یاد شده عبارت‌اند از:
۱- جامعه فراگیر (inclusive society)
۲- اقتصاد آزاد (open economy)
۳ - افراد توانمند (empowered people) .

در زیر به اختصار هر کدام از اینها را توضیح می‌دهیم.

۱- جامعه فراگیر

وجود یک جامعه فراگیر برای افزایش رفاه شهروندان ضروری است. در یک جامعه فراگیر «نهادهای سیاسی و اجتماعی از آزادی‌های بنیادین افراد حفاظت کرده و توانایی‌های افراد برای ترقی کردن را تقویت می‌کنند». این حوزه «ساختارهای روابط» موجود در جامعه را بررسی می‌کند و قابلیت آنها را برای پیش بردن یا جلوگیری کردن از بهبود «همبستگی اجتماعی و توسعه جمعی» می‌سنجد.

یک جامعه فراگیر از چهار پایه تشکیل شده است:

۱- صلح و امنیت: در یک جامعه فراگیر افراد و اجتماعات محلی از هرگونه تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از «جنگ، نزاع داخلی، خشونت و حذف سیاسی، جرم‌های خشن و جرایم متوجه دارایی افراد» ایمن هستند.

۲- آزادی‌های فردی: در یک جامعه فراگیر «کرامت ذاتی افراد مورد احترام است» و حقوق اساسی و قانون افراد و آزادی‌های فردی (مانند آزادی بیان، اجتماع و دسترسی به اطلاعات) تضمین شده است.

۳- شاخص حکمرانی: در یک جامعه فراگیر «نهادهای حاکم بر پایه اصول درست عمل می‌کنند، در برابر شهروندان پاسخگو

هستند و تحت حکومت قانون به سر می‌برند». برای این کار «کنترل‌ها و محدودیت‌های روی قدرت سیاسی» به نحو موثری اعمال می‌شود و فساد در نهادهای دولتی در پایین‌ترین حد ممکن است.

۴- سرمایه اجتماعی: این مفهوم توجه «مناسبات فردی و خانوادگی و روابط اجتماعی» است. آنچه بررسی می‌شود، این است که روابط افراد با یکدیگر تا چه اندازه مبتنی بر احترام و اعتماد است. در یک جامعه فراگیر، «خانواده‌های با ثبات و اجتماعات حمایت‌کننده، ارزش‌های سازنده فرهنگ جامعه را ترویج می‌کنند و پیوندهای مبتنی بر اعتماد مورد نیاز برای پیشرفت را می‌آفرینند».

۲- اقتصاد آزاد

از میان نظام‌های اقتصادی موجود، «اقتصاد آزاد» بهتر از دیگر نظام‌ها می‌تواند «نوآوری و سرمایه‌گذاری را تشویق کند، کسب و کار و تجارت را بهبود ببخشد و رشد همه‌جانبه را تسهیل کند». بدون یک اقتصاد آزاد و رقابتی، ایجاد بهزیستی اقتصادی و اجتماعی پایدار بسیار چالش‌برانگیز است». در یک اقتصاد آزاد از «پدیده‌ها و توانایی‌های افراد به منظور آفریدن راه‌های برون‌رفت از فقر» استفاده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که اقتصادهای آزاد از ظرفیت‌های تولیدی بالاتری برخوردار هستند و همبستگی مثبتی بین آزادسازی اقتصاد و افزایش بهره‌وری وجود دارد. «در مقابل، در یک بازار غیررقابتی یا بازاری که رفاه را به حداکثر نمی‌رساند، رشد اقتصادی را کم می‌ماند و سرمایه‌داری رفاقتی رشد می‌کند».

اقتصاد آزاد بر چهار پایه استوار است:

۱- محیط سرمایه‌گذاری: این مفهوم نشان‌دهنده این است که سرمایه‌ها و دارایی تا چه اندازه مورد حمایت و حفاظت قرار می‌گیرند. پیش‌شرط‌های این امر وجود «حقوق مالکیت، حمایت از سرمایه‌گذار و اجرای قراردادها» هستند. فراهم‌سازی این پیش‌شرط‌ها مستلزم نظام‌های قانونی و حقوقی پشتیبان سرمایه است.

۲- شرایط کسب و کار: قوانین کسب و کار شرایط لازم برای «کارآفرینی، رقابت و نوآوری» را برای همه فراهم می‌آورند.

۳- زیرساخت‌ها و دسترسی به بازار: برای موفقیت یک اقتصاد نیاز به زیرساخت‌های قوی و فراگیری هست. ارتباطات، حمل و نقل و منابع به‌طور گسترده‌ای در دسترس هستند.

۴- کیفیت اقتصادی: سیاست‌های پولی و مالی به صورت معقولانه و مسوولانه‌ای در جهت افزایش اشتغال، بهره‌وری و رشد اقتصادی پایدار به کار گرفته می‌شوند.

۳- افراد توانمند

رفاه یک جامعه در گرو وجود شهروندانی است که مجهز به امکانات مورد نیاز برای بهزیستن هستند. برای توانمند ساختن افراد نیاز است که منابع و امکانات لازم در دسترس آنها قرار گیرند. توانمندسازی افراد بر چهار پایه قرار دارد:

۱- شرایط زندگی: در یک جامعه مرفه شرایط و امکانات ضروری برای داشتن سطحی از بهزیستن برای افراد فراهم است. این امکانات و شرایط در برگیرنده «منابع مادی، تغذیه مناسب، دسترسی به خدمات اساسی و سرپناه» است. اینها به فرد امکان می‌دهند که یک «زندگی رها از فقر» را سامان دهد.

۲- سلامت و بهداشت: امکانات بهداشتی کارآمد در دسترس افراد است تا از سلامت بدنی و روانی خود مراقبت کنند.

۳- آموزش: برای افراد این امکان فراهم است که از خدمات آموزشی و تحصیلی باکیفیت برخوردار شوند.

۴- محیط زیست: تدابیر لازم برای مراقبت از محیط زیست

جامعه

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

سال دوازدهم

شماره ۱۶۳۲

طبیعی اتخاذ می‌شود و استخراج منابع به گونه‌ای مدیریت می‌شود که توسعه پایدار بلندمدت امکان‌پذیر شود.

از مجموع آنچه گفته شد، نتیجه می‌شود که رفاه مفهومی چندبعدی است که هر بعد آن نیز از چندین لایه تشکیل یافته است. رفاه، مستلزم فراهم آمدن جامعه فراگیر با اقتصادی آزاد و وجود شهروندانی توانمند است.

نتایج و رتبه‌بندی

موسسه لگاتوم رفاه را در سه حوزه یاد شده، یعنی جامعه فراگیر، اقتصاد آزاد و شهروندان توانمند مورد مطالعه قرار داده است. همان‌طور که توضیح داده شد هر کدام از این سه حوزه خود بر چهار پایه استوار است که بنا بر این رفاه در کل بر ۱۲ پایه استوار است. برای مطالعه و سنجش این ۱۲ پایه، در پژوهش لگاتوم از ۳۰۰ شاخص (indicator) اقتصادی- سیاسی- اجتماعی استفاده شده است. این پژوهش مربوط به سنجش داده‌های۱۶۷ کشور است. نتایج تجزیه‌ای از این کشورها در این پژوهش را در جدول (۱) آورده‌ایم.

برای داشتن تصویر روشن‌تری از کشورهای منطقه خاورمیانه شاید بهتر باشد که آنها را در جدول جداگانه‌ای (جدول ۲) بیاوریم تا هم جایگاه منطقه‌ای کشورها بهتر درک شود و هم جایگاه جهانی آنها. بنا بر یافته‌های لگاتوم، بدترین سقوط طی یکسال گذشته مربوط به نیال است که با ۱۰ پله سقوط از رتبه ۱۲۳ به ۱۴۳ رسیده است و بدترین سقوط در ۱۰ سال گذشته مربوط به ونزوئلاست که با ۲۶ پله سقوط از رتبه ۱۰۹ جهان در سال ۲۰۱۳ در رتبه ۱۴۵ در سال ۲۰۲۳ رسیده است. بیشترین ترقی طی ۱۰ سال گذشته برای ساحل عاج رخ داده که با ۲۷ پله ترقی از رتبه ۱۴۷ در سال ۲۰۱۳ به رتبه ۱۲۰ در سال ۲۰۲۳ رسیده است. از نکات جالب این رتبه‌بندی جایگاه اوکراین در جدول است. این کشور با وجود جنگ وضعیت رفاه خود را ترقی داده و با پنج پله ترقی نسبت به سال گذشته به جایگاه ۷۴ در سال ۲۰۲۳ رسیده و در یک دهه گذشته نیز ۲۰ پله ترقی داشته است. وضعیت ترکیه نیز نگران‌کننده است و با ۲۷ پله سقوط از جایگاه ۶۸ در سال ۲۰۱۳ به رتبه ۹۵ در سال ۲۰۲۳ رسیده است. در میان کشورهای خاورمیانه همه کشورها، جز عربستان، نسبت به سال ۲۰۱۳ پسرفت داشته‌اند. بیشترین ترقی در ۱۰ سال گذشته در این منطقه برای عربستان اتفاق افتاده که با ۱۱ پله ترقی از جایگاه ۹۰ در سال ۲۰۱۳ به جایگاه ۷۹ در سال ۲۰۲۳ رسیده است. بدترین سقوط برای لبنان اتفاق افتاده که با ۲۴ پله سقوط از جایگاه ۸۸ در سال ۲۰۱۳ به جایگاه ۱۱۲ در سال ۲۰۲۳ رسیده است. ایران هم نسبت به سال ۲۰۱۳ با ۳ پله سقوط به جایگاه ۱۲۶ جهان رسیده است.

بهبودهاو کمبودها

وضعیت کشورهای جهان، چه به صورت فردی و چه به صورت کلی، در برخی شاخص‌ها بهبود یافته و در برخی دیگر از شاخص‌ها وضعیت وخیم‌تر شده است. بنا بر یافته‌های لگاتوم، وضعیت کلی رفاه در جهان در ۳ سال گذشته در سطح ثابتی باقی مانده است که دلیل اصلی آن نیز «وجود یک روند کلی بدترشدن نهاده‌ا و فرآیندهای دموکراتیک است».



آسیب زای ناشی از اسب دیدگی می تواند ناتوان کننده باشد. اغلب، این علائم موقی از احساسات، رویدادها و دردهای منفی را ایجاد می کند که به نزدیکی، خانواده، دوستان و در کل جامعه سرایت می کند.

روان زخم التیام نیافته تأثیر مخرب عظیمی بر جهان و جامعه دارد. اثرات این بیماری به مقیاس عظیمی می رسد و ما به سختی شروع به درک عواقب آن کرده ایم. مانند هر چیز دیگری، یکی از اولین و بهترین کارها این است که در مورد یک موضوع یاد بگیرید. این امر به ویژه در مورد تروما صادق است، زیرا فاقد آگاهی و آموزش گسترده اجتماعی است.

۱۵درصد مقطع متوسطه اول و یک درصد خوابگاه دانشجویی دختران بوده‌اند.

– فراوانی دانش‌آموزان دارای ادعای بدحالی در استان‌های مختلف به ترتیب: بیشترین تعداد دانش‌آموز به‌لحاظ اعلام مسمومیت استان خوزستان و کمترین تعداد دانش‌آموز در استان خراسان جنوبی بوده است.

نقش شبکه‌های ضد انقلاب و صهیونیستی

بخش دیگری از این بیانیه به تبیین «نقش اردوگاه خیم در شکل‌گیری و استمرار غائله مدارس» اشاره داشته و در آن تصریح شده و مصادیقی از آن ارائه کرده است. این بیانیه همچنین به موضوعاتی همچون امپراطوری رسانه و جریان تحریف با روایت‌سازی مجعول و ترویج ادبیاتی همچون «حملات شیمیایی و بیولوژیک به مدارس» توسط بیگانگان پرداخته و افزوده است: مضاف بر این‌ها، خط و جریان «کشته‌سازی» در کل وقایع پیش گفته، به‌دنبال تولید کشته و فراهم آوردن جسد، آن هم از دختران و سنین کودک و نوجوان، برای ایجاد تنش‌های عاطفی در جامعه و متهم‌سازی نظام بود.

مایع یا گاز بودن مواد ادعا شده؛ رنگ مواد؛ بوی مواد؛ تنوع عوارض اعلامی و …) – حالت سیرایت ادعاها از اماکن نزدیک به ادعای بدحالی (عامل همجواری) به گونه‌ای که با کلاس دیگر پس از اطلاع از وضعیت آن کلاس، اعلام بدحالی کرده‌اند، در حالی که کلاس‌های غیرمطلع، هیچ مشکلی را اعلام نکرده‌اند. – از نکات بسیار قابل تأمل این‌که در اکثر قریب به اتفاق موارد، ادعای بدحالی، مختص دانش‌آموزان بوده است و مصادیق بسیار نادر و انگشت شماری از اعلام مسمومیت در کادر آموزشی یا عوامل خدما مدارس گزارش شده است. – «تمارض» یکی از عوامل اثبات شده به تعداد قابل توجه، بوده است. در بررسی انگیزه‌های تمارض، سه انگیزه بازیگوشی، فرار از درس و امتحان و در موارد اندکی انگیزه‌های القایی دیگران، به‌منظور ایجاد التهاب و افشانه‌های خدیل بوده است. – ۸۶ درصد از مدارس اعلام‌کننده بدحالی، دخترانه و ۱۴درصد پسرانه بوده‌اند. از آموزشگاه‌های یاد شده به تفکیک مقطع تحصیلی به ترتیب ۶۸درصد مقطع متوسطه دوم، ۱۶درصد مقطع ابتدایی،



جسمانی مانا و بلند مدت وجود نداشته است. – در اکثر قریب به اتفاق روش‌های درمانی اعمال شده برای مراجعینی که اعلام بدحالی نموده و به درمانگاه‌های مختلف مراجعه کرده‌اند، صرفا درمان‌هایی در حد دریافت اکسیژن، سرم و داروهای آرام‌بخش بوده است. – میانگین حضور مراجعین در درمانگاه‌ها دو ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آن‌ها بستری کوتاه مدت شده‌اند (آن‌هم به‌دلیل اضطراب)

– اظهارات متفاوت دانش‌آموزان یک کلاس از مشاهدات، بوهای استشمامی یا عوارض جسمانی قابل تأمل بود (مثلاً درباره جامد، – به فضل الهی هیچ مورد فوتی یا عوارض